

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
 صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
 و یومیه (جبل العتین)
 (عنوان مراسلات)
 طهران خیابان لاله زار
 نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
 دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی
 غیر از روزهای جمعه همه روزها
 طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل العتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۵ فران
 سایر بلاد داخله ۵۰ فران
 روسیه و قفقاز ۱۲ مانت
 سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

در طهران سه شاهی
سایر بلاد ایران یکمبای است

قیمت اعلان سطر

دو فران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

شنبه ۲۴ رجب المرجب ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۵ شهر بورماه جلالی ۱۳۲۹ و ۳ سپتمبر ۱۹۰۷ میلادی

(پریشانی مملکت)

زنده باد خاکبکه بر آورده کانتش اسباب رای و حصوات
 عقل و هوش و ذکاوت از همه اهل ایران ممتازند —
 عجب خاکمی و سرزمینی که محل دانش و زاینده یش است —
 زانکانش جواهر دانی و مجسمه درایت و تیزهوشی اند —
 خاک پاک کاشان که سرعت ذکاء و تندی هوش گوئی در
 آنس زمین با خاک و آتش عجین است هر که از این شهر
 بیرون آید علمی را مات و بیهوت حرکات خورد نمود
 و عقل و درایت خود را بهمه اهل دنیا نشان داد —
 ای کاشان نمیدانم چه بالطاقت است هوای تو که
 ما کنیت کوئی روح مگر مذو عقل مجسم و چ لطیف
 است آب تو که هر کس چشید کوئی آب حیات است
 و عین الحیوان که بجات علم و ادب زندگی جاوید یافت
 آری از هوای تو است که انفاس بزرگ فیلسوف دانشمند
 ابونصر فتح الله خان شیباي رحمت الله علیه تولید گشت
 و از آب توروان شد سلسبیل سلیمه و قریحه او که
 بدر را بیات آب دار و جواهر زواهر اعمار فیضان نمود
 انجنان ایساتی که روان شعراء خلف و سلف از
 شنیدن آنها رشک برد و روح شعراء ما و اراء النهر از
 استماع آن اشعار غرق بحر خجیات و انفعال گردید —
 نمیدانم این پیشین کوئی را از عالم غیب ملهم شده
 یا رب النوع در او حلول کرده است —

بهر حال این فیلسوف یگانه در زباده ازسی سال
 قبل که دستکاه استبداد را رونق فزون ارزانداز بود
 و نهیب دور باش زهره فلک را میشکافت بادیده دور
 بین و چندی حق بین بر طون و حقایق احوال دولت

و نولتیان و وضع غفلت و اهمال کاری و بیبیلانی از باب
 حل و عقد نظر کرد و قطعاتی چند مشتمل بر کیفیت اوضاع
 و پیش آید احوال این ملک و پریشانی که امروز در زیر
 تجملات ظاهری استبداد مستور بوده و این زمان آشکار
 و روشن شده است سر و ده که نظیر انرا در بین شعراء
 اسلام نتوان پیدا نمود جزء السلاء العمری اینک از آن
 لثالی شاهوار و ورارید آدار دو قطعه را که مضامین هر
 دو قریب یکدیگر است درج میکنیم انکاه شروع باصل
 مقصود بینمائیم —

- (قطعه اول)
- (یار پریشان و زلف یار پریشان)
- (شهر پریشان و شهر یار پریشان)
- (روز پریشان تراز شب است شب از روز)
- (کوئی کشته است روزگار پریشان)
- (خاطر مجموع کافیان در شاه)
- (هست تو کوئی چو زلف یار پریشان)
- (کار زمانه چو گشت در هم و بر هم)
- (مردم کارند که کار پریشان)
- (هست پریشانی جهان همه از جبر)
- (نیست کسی از روی اختیار پریشان)
- (کار خلاق باضطرار کشیده است)
- (مانده دل جمله باضطرار پریشان)
- (بخت پریشان اگر نکشت چرا گشت)
- (شاه نشسته بتخت و یار پریشان)
- (هست پریشان تر از همه دل بو ناصر)
- (کس همه کار است از آن نگار پریشان)
- (مرد خردمند کرد کار نکرد)

(کار جو گردد ز کردار پریشان)
 (رفته برون از میان وجته کناری)
 (کرچه بود هم در آن کنار پریشان)
 (سایه شاه ار بجمع کار نکشد)
 (کار مانند بدین فرار پریشان)
 (اطمه دوم)
 (باغ پریشان و سرو کاخ پریشان)
 (ملک پریشان و تخت و تاج پریشان)
 (لعنت حق بر لجاج باد که کشته است)
 (کار در شاه از لجاج پریشان)
 (وای بملکی که شد زخارج و داخل)
 (دخل پریشیده و خراج پریشان)
 (نور نباشد بمجلسی که زجمعش)
 (جمع پریشان شد و سراج پریشان)
 (شه نکند هیچ خواب امن چه دارو)
 (بستر شوریده و دواج پریشان)
 (خیر نبیند شبان ز روغن و پشمش)
 (هر کذرا که شد نتاج پریشان)
 (لابد باید یکی طیبی حاذق)
 (مملکتی را که شد مزاج پریشان)
 (پیش پریشان شود علیل چه باشد)
 (رای طیبی که علاج پریشان)
 (اهل سموات کشته خیره که چون شد)
 (نور بمصباح و درزجاج پریشان)
 (زر پریشان رواج باید لیکن)
 (وی بوقتی که شد رواج پریشان)
 (سایه شاه این شکفت کر که به بیند)
 (شاه بهلای تخت عاج پریشان)
 (کابین عال ملک را طیبی جز او)
 (نیست که نبود که علاج پریشان)
 حال کرامت اینمرد بزرگوار اینست که از پیش گفته و از آینده خبر داده لکن امروز کسی نیست که از پریشانی اوضاع و انقلاب احوال و هرج و مرج اینمملکت خیر داشته باشد رسته امیر طوری گسیخته که احدی جرئت ندارد پیرامون پیوستن آن گردد مردمان امین درستکار باین اغتشاش مباشرت امور را امری بحظره و کاری هولناک دانسته حتی الامکان کناره میجویند کسانی هم که برای کارها دامن بر کمر زده اغلب از صفت لیاقت و قابلیت بری و عاری بوده پاره هم در امانت و دیانتشان سخنهاست مردم هم فهمیده اند عالمی دیگر است که پر از مسرت و شادمانی است و ربطی باین عالم پریشانی و سرگردانی ندارد و جويا و پویای

انامل هستند و از اوضاع بدبختی کنون شاکمی و کله مندند کار هم رامت نمیاید بلکه روز بروز خراب تر میگردد امروز هم کابینه برهم خورده و تشکیل يك کابینه جدید که جداً بدردمت خورده دردی از دلشان بردارند و هوشان را بکهند کاری مشکل شده موانع و مشکلات هم در عمل زیاد است حالا باینجمل چه باید کرد ؟ و چه تدبیر صید رسید . را بدام آورد ؟ و مملکت پریشان را از پریشانی نجات داد ؟

بعقیده مردم جنک اول به از صلح آحراست اگر امروز در سر انتخاب هیئت وزراء قدری دقیق شوید و نگذاریم هر کس بيك طراری خود را داخل نماید و يك رشته کار عمده مملکت را بچنگ بیاورد دوم صدر ملاحظه خود بسازد خیلی بهتر خواهد بود از اینکه به از خرابی بهره عزل او را بخواهیم و گرفتار هزار اشکالات بشویم مهم ملکی خجالت و ملاحظه و دوستی بر نمیدارد همان طور که در سر انتخاب و کلاء اگر ملاحظات دور و دراز که ناشی از خیار معده بود کنار گذارد . بایک قلب حق پرست برای مملکت آدم انتخاب میکردیم امروز اینقدر بدبخت نمیکشتم عیب کار اینست که ما ملاحظه صفات لازم را نمیکشیم یعنی ما اول باید بهمیم برای چه کار آدم میخواهیم محض اور جزئی است یا کلی عمل ولایتی یا ایالتی یا برای نوشتن قانون یا اجراء قانون

وقتیکه کار همین شد آنوقت باندازه آن کار آدم باید پیدا کنیم ولی اول ما آدم پیدا میکنیم در حالتیکه نمیدانیم برای چه کاری او را میخواهند آنوقت هم توقع داریم امور اصلاح شود اگر ما برویم فرک و بکنفر آدم اجیر بخواهیم ممکن نیست تا مقصود را فهمند راضی شوند زیرا که شاید بکنفر محاسب را آوریم و سر عدل نظام گذاریم که از عهده بر نیاید — خوب ما روز اول بخیال آنکه مقصود تمیز ارزاق و امثال آنهاست از هر صنف بکنفری را انتخاب کردیم امروز که معلوم شده برای وضع قانون است باز هم همان اشخاص را رها نمیکشیم از دباغ و صبغ تشریح و وضع قانون مطالبه داریم البته این قافله با این وضع تا بحشر لنگ خواهد ماند —

بهر جهت از مطالب دور نیفتیم امروزه چند طلب مهم را باید ملحوظ نمود اول انتخاب صحیح کابینه و چنانچه مکرر عرض کرده ایم تا و کلاء اطمینان بصحت اعمال وزراء ندانند ممکن نیست شغل وزارت را بکسی تفویض نمود و کلاء باید رو و شرم را اتنا گذارند قدری هم اغراض نفسانی را از خود دور فرموده با

نمودید ای شیردلان حامی عدالت که جن و مال خود را فدای بقای مشروطیت میکردید شما را بکجا به ننگبو و در جستجوی نخود سیاه فرستادند ای انجمنهای متعددی علمداران مشروطیت شما چرا چنین بخود افتاده اید ؟ (مازبانان چشم باری داشتیم)

(خود غلط بود آنچه ما پنداشتیم)

ای چند تن وزرای مسلمان باثیرت شماها کم کم کجا میروید و چرا مرا چنین بکه و تنها میخوانید باری ای برادران یوسف وطن وای فرزندان عزیز ناخلف باز محض انعام حجت بشما میگویم البته فایده اتفاق و وفای و مساوات و اخوت را هنگام خروج از سفارت و چندماه اول دوره مشروطیت بچشم خود دیدید مگر نه هر چه میخواستید میکردید پس لازم است فایده و نتیجه اتفاق و ضدیت و اختلاف را هم پیش از وقت بشما خبر دهم اگر جذبی بدین بنوال راه اتفاق پوئید طولی نکشد که در نظر تمام اجانب مرمسار و مفتضح و رسوا و مانند پیش وحشی فلم روید علمای متدین شما ذلیل و دستخوش رشوه خوران مستبد خواهند شد وزرای غیرت مند خدا ترس شما مترود و آواره و در بدر خواهند کشت جاهلین و خیر خواهان و روزنامه نگاران که در حقیقت سر بازاران جهاد مشروطیت میباشد محبوس و مسجون و مذبذب و زبان ریزه خواهند گردید آنوقت و گلای خود را سر بزیر خواهند و درانروز پارلمنت شما یعنی مجلس مقدس شورای ملی شما مجدد محل پذیرائی اجانب و بحفل عیش و نوش دشمنان شما خواهد کشت و از همه بدتر در انزمان استبدین باصورتی بس شاد و خندان برای شما روضه لکسی خواهند خواند و ببانگ نوش خواهند گفت (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتوبوا ما بانفسهم) این هاست نتیجه اتفاق ولی همین قدر هم بشما اینای مظلوم جاهل مزده میدهم که تا مادامیکه دونه از شماها باهم متفق بماید این آرزو بدل مستبدین پوسیده خواهد ماند و آن هائیکه تازه بخمال پارک و مبل افتاده اند این آرزو را بسکور خواهند برد (فرج الله بیززاده)

متکوب در منافع

(مشروطه از تبریز)

چون در این ایام بعضی از آقایان عمداً سهو کرده و روز روشن را در انظار شب تار جلو میدهند مردم ساده لوح هم گول آنها را خورده چنان میدانند که در این ها در دین هست غافل از اینکه اینها دین را دام دنیا قرار داده اند محض رفع این شبهه چند آفره که در این زمان فلیل از اسم مشروطیت تغییر کرده برای نمونه عرض میکنم و تمام اینها که عرض می شود مطالبیست که همه مردم هر

روز بچشم خود میدیدند و بگوش خود میشنیدند : قبل از تحویل استبداد به مشروطه هر روز در بازار زنهای بدکار هزار افتضاح و رسوائی می کردند یعنی خجالت می کشم آشکار بنویسم واحدیرا از علماء و سادات قدرت دم زدن نه بود یک شب در محرم جناب آقا سید جمال واعظ طهرانی سلمه الله که در تبریز بود خواسته بودند امر به معروی و نهی از منکر فرمایند مفاخر الملک که بکار بیکی و حضرت معظم له را برده مجلس تغییر کرده بود که سید به توجه میخوانی چنین و چنان کنم مگر تو حاکم شده ان کس بسته بفلان شخص است نمیدانم آقایان مشروعه خواهان کجا بودند انوقت و فراموش کرده اند آزادی انوقت را این آزادی که حالا میخوانیم و گرفته ایم ضدان است که دیگر الساعه نمی توانند ز نهی بد عمل بیزار بیایند و می توانند مفاخر الملک یا دیگری بگویند سید به توجه هر کس هر چه می کند

هم چنین الحمد لله همه می بینند به داز بقای این اساس مقدس انجمن تمام مطربهای شهر نا امید شده که دیگر ممکن نیست بتوانند به داز این صدائی در آزند عموماً سرهارا تراشیده یکی کبریت می فروشند دیگری قهرچی شده همه مشغول کاسبی حلال یا کیزه بخلاف ایام استبداد که هر شب و روز مشغول کارهای مخصوص خودشان بودند و چه مفدها از ایشان تولید می شد و از مجالس آنها که وضعی معلوم بود چه قدر صدمه جانی و مالی و ناموسی برای مردم بود

تفاوت دیگر حال با ماضی معدوم بودن مست و بسته شدن تمام میخانه های تبریز حتی یکی از ارامنه میکفت برای دواخانه (الکمل) خواسته بودند توی راه چند نفر متعرض شدند کفتم بدواخانه برای دنیا میبرم تا خود شان آمده از دواخانه پرسیده خواطن جمع شدند و رفتند این قدر مواظبت در ترویج شریعت دارند معلوم است کلید تمام مسفده و معاصی این ام الخبائث است

ایضا تفاوت دیگر امسال با ماضی بسته شدن عموم قمار بازخانهای عمومی شهر که شب و روز در هر محله چند جا دایر و آشکار بود خصوص شبهای ماه مبارک رمضان در سواد اعظم اسلام هر کس از آن محله میگذاشت وای بحالتش بود باز تفاوت عمده که از دولت مشروطه اصلاح شده ترک کم فروشی است که روز روشن آشکار و ترک این یکفقره از قوه حضرت قبل هم خارج بود چنانچه تا حال هر چه قوت و قدرت داشتند زده بودند و نمر و اثری نداشت غیر از این مشروع مقدس که دواي تمام درد های دین و دولت و ملت و مملکت مانت الحمد لله مدتیست از اثر انقاس مقدسه مشروطه خواهان قدرت يك مقال کم دادن را ندارند .

ایضا تفاوت وضع نان بود که در زمان استبداد غیر

مرحوم زبان باعفت و حواهران با عصمت ماز صدای کریمه اطله شب تا صبح از گرسنگی نخواهد بود. قبل از اذان صبح در تنوی دالان و با چل چلو دکان خبا زن برای قرص نالی ایستاد و این لامذهبان هر ار کار که قلم حیا میکند از ذکرش میگرددند عجب تر از همه اینها این است که بعضی از اعیان زادگان که از خون جگر فقرا بزرگ شده اند این را یکنوع تفریح دانسته عکس آن هنگامه را بر داشته بروفتای فرنگی خود تحفه داده انراهم بری فرنگستان اردمان خوب دانسته و فرستاده در فرنگستان هم روزنامه نگاران برای هدیه چاپ کرده ضمناً آنچه در دل در حق اسلام عداوت داشته بهانه خوب یافته و مضایقه نکرده در تمام فرنگستان نشر کرده اند و بعضی کارت و زت ساخته به یکدیگر فرستاده اند (گر مسلمانی همیراست که اینها دارند) الحمد لله از اثرات و نتیجه این مشروطیت که هنوز اول مرحله است در این سال گذشته که خیال محترمین سنگهارا سخت کردن و نخرها همه جا پنجهزار نمودن بود بر عیس (اگر مفسدین و مفرغین بگذارند) انشاء الله اسال که نعمت و اخداوند بر بندگانش تمام فرموده و در همه جا حاصل ده مقاب هر سال بعمل آمده خیلی خیلی فراوان و ارزان و خوبتر از قوه خیال و تصور ما خواهد بود از نمونه اثر بخوبی معلوم است این است اثر مذهب این مشروع مقدس در شهر ما چنانچه از اثر و عظم حضرات ناطقین مشروطه بستم تمام بازار در روزهای جمعه که یکی از نشانه و اثر شهر اسلام است قبل از مشروطه از این جهت ابداً فرقی با خارجه در روزهای جمعه نداشتیم و جمعه را ابداً تقاونی با سایر ایام نبود از اثر قطهائیکه خداوند در این خصوص در نفس ما گذاشته بمحض یکدفعه گفتن حال قریب یکسال است روزهای جمعه غیر از بقال وصاب ناوا کی وانمی کند حالا اگر یک نفر خارجه وارد شود میدانند شهر اسلام است هم چنین ساله می سال می در منابر واکردن و موقوف نمودن هرزگیهای نهم ماه (۱۴) گفته اند اثری نداشت اسال بنا بر فرموده آایان همه تسلیم شده فرقی و اثری از آن روز بظهور نرسید و حال اینکه یکی از قانون شریعت مطهره مابود که بکلی منسوخ شده برعکس نموده بودند باز آتش باری که هر سال امروزها برای برات و تدارک آتش هر روز در شهر الا چند نفر از اطفال سوخته و قربان عادت قدیم می شد چند روز قبل از انجمن مقدس قدغن کردند آنها را موقوف شد مبالغ مصارف بیجا و اسراف و خسارت جانی و مالی را صد فرمودند اگر آنچه از رفع بدعت

و وضع محسنات در این قلیل زمان را عرض کنم ممکن نیست (بشر ناصیح درانت بدید) (کین هنوز از نتایج سحر است) در این صورت بر آحاد ملت تقویتن لارم و ابیحکم علمای نجف اشرف کثر الله انثالهم واجب است و بعضی مفسدین لارم تا هر چه زودتر تمام دردهای مزمن مملکت و دین ما که از کثافتهای منافقین تمام اعضای لطیف این نازنین ملک و ملت و دولت و مذهب مقدس ما ضایع ورنجور شده يك يك دوا کنیم و انشاء الله رفتنه از این ذلت و سکت بتوفیق خدا واز توجه حضرت حجت خدا ۴ و از همت و غیرت بنندگان دین دار خدا برهائیم و یقین این کار نشد مگر من عند الله که از این وضع ناکوار خلاص شدن را احدی چاره نیدانست و کسی ابداً خیالش نمیرسید که می شود يك حکم فراش باشی یا فراش ی که خدا را رد کرد تا چه رسد بیلا خداوند اینرا اسباب نجات و فرج قرار داد که در يك شب الی که ابداً اسمی از مشروطه نشنیده و در خواب هم ندیده بود تمام یکدل و یک زبان مشروطه خواه شدند و در این راه از مال و جان مضایقه نکردند و کشته شدن را فوز عظیم دانستند مگر غیر از خداست مقاب القلوب مگر غیر از اوست جل جلاله مسبب الاسباب هر کس اعتقاد غیر از این است وای بحالش امضا محفوظ باشد

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(یکشنبه ۲۲ شمر رجب)

بعضی از وکلاء ظهار داشتند که در موقع اتفاق و اتحاد دولت نامت و مجلس از تحریک چند نفر مفسد خائن اینطور و ائمه ناگوار اتفاق بیفتد دیگر چطور سایرین حاضر شوند از برای خدمت باین ملت جاهل چه میشود کرد باید فکری درباره بعضی از مفسدین نمود چند ماده از نظامنامه وزارت داخله تصحیح و قرائت شد لایحه از طرف اصناف قرائت شد که تاکنون همه این ظلمها و ضررها و خسارتها بر ما بیچارها واقع شد و تحمل همه اینها بواسطه اقامه مجلس بود حالا که میرزا علی اسفراخان انابک اعظم را اشخاص مفسدین مقتول کردند باید مجلس بخواند و زرا و حکومت شهر قاتلین و محرکین را استنطاق نموده برواق قانون مجازات بدهند تا عبرت دیگران بشود و الا ما اصناف از این مطلب دست بردار نیستیم و امنیت میخواهیم بعضی گفتند چهار نفر را باید تبعید کرد مذاکرات زیاد در این باب شد که آیا این مطلب بچه نحو رسیدگی شود بعضی گفتند که مجلس رسیدگی کند در حضور زرا بعضی گفتند کمیونی مخصوص برای رسیدگی این امر تشکیل شود بعضی

— (اعلان) —

کتاب مستطاب رومان مروی حاجی بابای اصفهانی که بهترین کتب رومان تاریخی است و برای نشان دادن عادات و اخلاق و احوالات ایرانیان و اوضاع زندگانی و سایر امور آنها از این کتاب بهتر و نیکوتر یافت نمیشود. با عبارات صافی و ساده خالی از اغلاط عبارتی بطوریکه همه کس از آن منتفع گردد و خواص و عوام را کار آید در دو جلد بطبع رسیده و دارای صور و نقاشیهای قشنگ که گراور شده است تقریباً دوجلدش نود صورت و شکل دارد مجملاً مطالعه این کتاب همه کس را لازم و برای بصیرت بر حقایق احوال ایران و ایرانیان متحتم است

و هر کس درست از ابدقت بخواند از اهمیت آن کتب وقت میشود فعلاً هر دو جلدش صحافی کرده و مجلد شده در اداره جیل المتین طهران برای فروش حاضر است طلبین بدانجا رجوع نمایند

— (اعلان) —

دکتر استپانزایان حکیم مخصوص دندانسازی اعلیحضرت همایونی در خیابان علاء الدوله رو بروی خانه امیر نظام کارخانه دندانسازی خیلی ممتاز و مکمل باز نموده و قبول می نماید همه جور ناخوشیهای دندان را معالجه نماید همه روزه صبح از ساعت هشت الی دوازده و ترکی و بعد از ظهر از ساعت دو الی شش فرنگی در محل معروض برای رجوع کنندگان حاضر است

— (اعلان) —

کتاب دیوان سرخوش که مقبول ارباب ذوق و مطبوع اصحاب هنر و کمال و اشعار آبرارش زینش از دل و غم از خاطر میریاید بترگی در هندوستان در مطبعه حرولی بوضع پاکبیره و اسامی ظریف بطبع رسیده است

همچنین کتاب مکالمه سیاح ایرانی و هندی که کتابی است نفیس مشتمل بر مطالب عالیه پلینکی و تریخی و جغرافیائی و برای اطلاع بر جرئیات و کلیات مملکت هند و ایران نهایت مطالعه آن مفید است بتازگی بوضع مرغوب بطبع رسیده این دو کتاب برای فروش در طهران در اداره روزنامه یومه جیل المتین موجود است هر کس طالب باعد بدانجا رجوع نماید

(اعلان)

کلیات پریش میرزا ملکم خان جلد اول مشتمل بر دوازده رساله باعکس معظم له بهمت و غیرت ربیع زانه طبع شده در کتابخانه تربیت بفروش میرسد قیمت پانزده قران

(حسن الحسینی الکاشانی)

گفتند اینها از وظایف مجلس خارج است باید سهام علیه رجوع کرد منتها چون امر مهمی است چند نفر از و محکلا نظارت و مراقبت مخصوص در این امر داشته باعد

مذاکره شد که مقصود اصنافی تحصیل امنیت است میگویند ما امنیت نداریم و بعضی از اصناف هم اظهاراتی در امنیت داشته آقایان و وکلا اسرار ما کن نموده قرار گذاشته اند که مجلس تظلمات و عرایض اصناف را بخاکهای اعلیحضرت رسانیده جواب مرحمت شود و اصناف هم کما فی الساق مشغول کار خودمان باشند دغدغه و خیالی بر خود راه ندهند و بازار هزاره بندند مذاکره شد که بعدها برای توسعه وقت و زیادتی کارها از روز سه شنبه مجلس طرفی صبح باشد و هرگاه کار زیاد بود خرفی عمر هم اگر لازم شد فوق العاده تشکیل شود همه در این امر هم رای و اتفاق بودند (مجلس ختم شد)

اخبار تلگرافی خارجه

از لندن در مجلس لردهای انگلیس یکی از اعضاء محترم اظهار داشت موافقت دولت چین با اظهار و عنوان دولت امریکا در خصوص تأسیس کنفرانس بین الملل محض مسئله تجارت تریاک هنوز معلوم نیست و بدولت انگلیس در اینخصوص اطلاع نرسیده لهذا قبل از محقق شدن وقوع مجلس تعیین نامور و نماینده لازم نیست

جهاز جنگی دیگر که بطرح دردانات ساخته شده و وزن آن هیجده هزار و ششصد و پنجاه تن است در دون پرت باب انداخته شد

تلگرافی واصله از وین حاکی بر این است که بنا بر اعلام رسمی که بطبع رسیده در روز پنجشنبه بین وزیر خارجه اطریش و وزیر خارجه ایتالیا در مجاورت وین ملاقات مفصلی وقع شده و مذاکرات در خصوص امور پلینکی نموده دولت ایتالیا نقشه و گرتنه که بجهت وضع قوانین جدید و اصطلاحات لازمه در مقدونیا ریخته شده قبول نمود و در حقیقه بدولت ایتالیا و اطریش در عموم مسائل راجه بامور مملکت بلکان موافقت تامه حاصل کرده است

دولتین ژوس و ژاپون مصمم گردیدند که نمایندگان دیپلماتی در پی تخت یکدیگر را از سمت رتبه و زود مختاری خرفی داده بدرجه سفارت کبری مقرر دارند مسوده قانونی مربوط اینمسئله در موقع افتتاح دوامی آینده پیش نهاد مجلس خواهد کردید